**بسمهتعالی**

****

 **اقتـصاد و فـرهنگ (جلسه سوم)**

**مقطع کارشناسی حرفه ای رشته مدیریت امورفرهنگی**

**دانشگاه جامع علمی–کاربردي**

 **تهیه و تدوین : سودابه تصاعدیان**

فهرست

فصل اول = مفاهیم کلی علم اقتصاد

 بخش اول : تعاریف و ادبیات اقتصادی

 بخش دوم : بازار , تقاضا , عرضه و تعادل در بازار

 بخش سوم : نظام بودجه بندی و مروری بر قانون بودجه کشور

 بخش چهارم : تحلیل تورم , سیاستهای پولی و بانکی

 بخش پنجم : بازار کار و سیاستهای اشتغال

فصل دوم = اقتصاد فرهنگ

 بخش اول : تعاریف

 بخش دوم : نقش فرهنگ و هنر در توسعه اقتصادی

 بخش سوم : سیاستگذاری اقتصادی در بخش فرهنگ و نقش اقتصاد در توسعه فرهنگی

فصل سوم = اقتصاد صنایع فرهنگی

 بخش اول : درآمدی بر اقتصاد صنایع فرهنگی

 بخش دوم : نقش صنایع فرهنگی و هنری در اقتصاد

 بخش سوم : نگاهی به سرمایه گذاری اقتصادی در صنایع فرهنگی جامعه

 بخش چهارم : فعالیت های فرهنگی به عنوان بخش هزینه ای یا درآمد زایی

 بخش پنجم : فرهنگ و هنر و حمایت مالی

 بخش ششم : جنبه های اقتصادی میراث فرهنگی

فصل چهارم = قیمت کالای فرهنگی

 بخش اول : آشنایی با نظام قیمت گذاری کالاهای فرهنگی و هنری

 **بخش دوم : روش های ارزش گذاری در علوم اجتماعی و انسانی**

 **بخش سوم : روشهايقیمت گذاريكالاهاوخدماتفرهنگي**

**فصل پنجم = اقتصاد و اخلاق**

**فصل ششم = اقتصاد اطلاعات**

**6**-اصل تخصيص و عدم تخصيص بودجه

طبق اين اصل تخصيص دولت موظف است هر اعتباري را صرفاً به همان جاي اختصاص دهد كه در بودجه مصوب شده است. دولت بايد موظف باشد كه در عمل مطابق آنچه كه در بودجه تعيين و اجازه داده شده است هزينه نمايد. نبايد بودجه تخصيص پيدا كرده براي يك امر را خرج موضوع ديگري نمايد  چون در اين صورت نتيجه مورد نظر از اصل شامليت و كامليت بودجه حاصل نخواهد شد. بر اساس اصل تخصيص، تمام ارقام منظور در بودجه بايد به همان وضع و ترتيبي كه در بودجه تعيين و اجازه داده شده است وصول يا مصرف شود. طبق اين اصل هر رقم اعتباري كه براي هزينه اي در بودجه پيش گويي شده است تنها براي همان هزينه قابل مصرف است و نبايد آن را براي منظور ديگري خرج كرد.  از سوي ديگر در اين راستا در ماده 93 قانون محاسبات عمومي مصوب سال 1366 چنين آمده است: «در صورتي كه بر اساس گواهي خلاف واقع ذي حساب به تأمين اعتبار و با اقدام يا دستور وزير يا رئيس موسسه دولتي يا مقامات مجاز از طرف آنها زائد بر اعتبار مصوب و يا بر خلاف قانون وجهي پرداخت يا تعهدي عليه دولت امضا شود، هر يك از اين تخلفات در حكم تصرف غير قانوني در وجوه و اموال دولتي محسوب خواهد شد و بر اساس اصل عدم تخصيص دولت حق ندارد اگر به موقع يا جايي بودجه اختصاص نداده اند بودجه اختصاص دهد. بعبارت ديگر كليه درآمدهاي دولت بايد به خزانه واريز گردد و از درآمد عمومي دولت براي هزينه هاي دولت تأمين اعتبار شود.

**7**-اصل انعطاف پذيري

مطابق با اين اصل اگر چنانچه دولت در پيش بيني بودجه اعم از درآمدها يا هزينه هايش در طول سال با مشكلي بر بخورد مي تواند از طريق متمم بودجه و ارائه آن به مجلس بودجه خود را ترميم كند. ضمناً در داخل هر دستگاه به وزير يا مسئول مربوطه تا حدي اجازه داده مي شود كه نسبت به جابجايي اعتبارات اقدام كند. از آنجائيكه بودجه بر اساس يك برآورد و پيش گويي تهيه و تنظيم مي شود و شرايط اقتصادي، سياسي و اجتماعي جامعه يك امر پويا هستند، ممكن است پس از تصويب بودجه بعضي از تغييرات در اوضاع اقتصادي، اجتماعي و يا سياسي جامعه ايجاب نمايد كه محل درآمدها و يا هزينه ها تغيير نمايد. همچنين باز هم به دليل اينكه بودجه يك برآورد و پيشگويي است و اوضاع اقتصادي در حال تحول امكان دارد كه بودجه پيش گويي شده از سوي يك مدير دولتي درست و دقيق نباشد و در عمل با مشكل بودجه مواجه شود. با توجه به نكات فوق به نظر مي رسد كه يك انعطاف در بودجه لازم به نظر مي رسد در حالي كه انعطاف در بودجه مخالف اصل تخصيص بودجه عمل مي نمايد. ضرورت هاي ناشي از پويايي جامعه حتي به طرفداران محكم اصل تخصيص نشان داده است كه بودجه بايد در حدي انعطاف پذير باشد. فرض كنيد كه در بودجه پيش بيني شده است كه براي ايجاد يك درمانگاه دولتي تعدادي پزشك، پرستار، و وسايل پزشكي فراهم شود و بودجه به صورت جزء به جزء منظور شده باشد. اگر پزشكهاي مورد نظر به اندازه كافي حاضر به همكاري نبودند، چه بايد كرد؟ آيا مي توان بودجه مربوط به استخدام پزشك را صرف خريد ابزار پزشكي نمود يا به جاي آن پرستار بيشتري استخدام كرد؟ مشكل انعطاف ناپذيري بودجه در مورد فعاليتهاي اقتصادي دولت محدوديت بيشتري را ايجاد مي كند. فرض كنيد كه بنگاه توليد دولتي بودجه لازم را براي خريد انواع نهاده هاي توليدي پيشگويي كرده باشد، از آنجائيكه بين زمان پيشگويي بودجه و انجام هزينه ها فاصله زماني نسبتاً طولاني وجود دارد، ممكن است قيمت بعضي از نهاده ها تغيير نمايد و با توجه به قيمت جديد امكان اجراي برنامه توليد به صورت بهينه نباشد. آيا مدير بنگاه نبايد با جانشين كردن عوامل توليد ارزان تر بتواند با يك برنامه بهينه در توليد اقدام به فعاليت اقتصادي مورد نظر كند؟ نتيجتاً همان قدر كه تخصيص در بودجه مي تواند يك اصل مهم باشد، انعطاف پذيري نيز به عنوان يك اصل با اهميت تلقي مي شود. امروزه به خصوص در انجام هزينه هاي عمراني و برنامه هاي اقتصادي توليدي دولت تا حد قابل ملاحظه اي بودجه مربوطه از انعطاف لازم برخوردار است.

روش هاي مختلف انعطاف پذيري در بودجه به قرار زير است:

* اصلاح بودجه: منظور اصلاحي است كه دولت با جابجايي اعتبارات مصوب در سطح مواد بودجه يا برنامه يا طرح هاي عمراني به عمل مي آورد و بدين وسيله بسياري از مشكلات اجرايي سازمانها را از بين مي برد.
* متمم بودجه: بودجه اي است كه طي آن تغييرات سقف اعتبارات دستگاههاي اجرايي به قوة مقننه تقديم مي شود تا مورد بررسي و تصويب قرار گيرد.
* اعتبار هزينه هاي پيش بيني نشده: اعتباري است كه در قانون بودجه كل كشور منظور مي شود و بنا به پيشنهاد وزراي ذي ربط و تأييد سازمان مديريت و برنامه ريزي و تصويب هيأت وزيران با رعايت مقررات عمومي دولت قابل مصرف است.
* اعتبارات دولت: اعتباري است كه براي امر خاصي كه جنبه عمومي و استثنايي دارد در  اختيار دولت قرار مي گيرد و همانند اعتبار هزينه هاي پيش بيني نشده به مصرف مي رسد.

**8**-اصل تحديدي بودن هزينه ها

اعتبارت مصوب براي هر نوع هزينه تا حد همان اعتبار مصوب قابل خرج است نه بيشتر. منظور از تحديدي بودن هزينه ها اين است كه اولاً وقتي اعتباري به مبلغ 100 واحد براي خريد كالايي تصويب مي شود نمي توان 110 واحد هزينه كرد (مگر در حدي كه جابجايي اعتبار به موجب قانون مجاز باشد). ثانياً منظور شدن اعتبار در بودجه يك دستگاه دولتي، از نظر حقوقي تكليفي براي هزينه كردن آن توسط دستگاه مزبور ايجاد نمي كند. به عبارت ديگر، تصويب اعتبارات اجازه خرج است نه تكليف. البته از نظر سياسي و اقتصادي نوعي الزام و تكليف برداشت مي شد. چون بعضي از ارقام هزينه مثل هزينه ي راهسازي يا كارخانه هاي توليدي اگر انجام نشود، در حقيقت قسمتي از برنامه هاي دولت انجام نشده است كه خود بايد مسوول باشد. ماده پنجاه قانون محاسبات عمومي مقرر مي دارد: وجود اعتبار در بودجه كل كشور به خودي خود براي اشخاص اعم از حقيقي و حقوقي ايجاد حق نمي كند و استفاده از اعتبارات بايد با رعايت مقررات مربوط خود به عمل آيد.

9-اصل تخميني بودن درآمدها

بودجه از طريق تصويب مجلس، ارزش قانوني مي يابد. مجلس با تصويب بودجه، به قوه مجريه اجازه مي دهد كه درآمدهاي پيش بيني شده را وصول و وجوه مورد نياز خود را هزينه كند. اين اجازه يك جواز مشروط است و كسب درآمدهاي لازم، بدون وجود قانون جداگانه عملي نيست. هيچ مالياتي را بدون وجود قانوني كه مربوط به چند و چون نظام مالياتي باشد نمي تواند از مؤديان گرفت. قوانين مالياتي نيز خود محصول تصويب مجلس هستند و مانند ساير قوانين خصلت دائمي دارند. يعني تا زماني كه با قانون جديدي نسخ نشده اند قابل اجرا هستند؛ ولي تصويب بودجه در واقع اجازه اجراي همين قوانين براي مدت يك سال است. در مورد هزينه ها نيز اجازه قوة مقننه، چه به وسيله بودجه و چه به وسيله قوانين مالي ديگر لازم است.

درآمدهاي پيش بيني شده در بودجه، به اصطلاح اهل فن جنبه تخميني دارد و اين ابداع بدان معني است كه منظور شدن مبلغي به عنوان درآمد در بودجه كل كشور مجوزي براي وصول از اشخاص حقيقي و حقوقي نمي شود و در هر مورد نياز به مجوز قانوني دارد. پيش بيني به هر ميزان مانع وصول درآمدهاي بيشتري از منابع مربوط نيست؛ لكن وصول مبالغ بيشتري خارج از ضوابط تعيين شده در قانون از افراد حقيقي و حقوقي خلاف است. به عبارت يگر وصول درآمد بيشتر از مبلغ پيش بيني شده در بودجه - به شرط آنكه به موجب قانون وصول شوند- مانعي ندارد. حتي وصول درآمدهايي كه در بودجه منظور نشده اند طبق مقررات مجاز و به همين ترتيب وصول درآمد به ميزاني كمتر از آنچه پيش بيني شده است نيز بلامانع است. اصل پنجاه و يكم قانون اساسي نيز به اين موضوع اشاره شده است: «هيچ نوع ماليات وضع نمي شود مگر به موجب قانون...» .

10-اصل تنظيم بودجه بر مبناي عمليات

بر مبناي اين اصل، تهيه و تنظيم بودجه بايستي بر مبناي فعاليت و عملكرد دستگاههاي اجرايي صورت گيرد نه عادات سنواتي؛ چرا كه چنين عاداتي زمينه چانه زني دستگاهها را براي دريافت اعتبارات بيشتر فراهم و اولويت بندي بين برنامه‌ها را با مشكل روبه‌رو مي سازد. بكارگيري اين اصل علاوه بر عملياتي ساختن برنامه هاي دولت، باعث مي شود براي فعاليتهاي مناسب، اعتبار لازم در نظر گرفته شود. ماده 50 قانون محاسبات عمومي مي گويد: « وجود اعتبار در بودجه كل كشور به خودي خود براي اشخاص اعم از حقيقي يا حقوقي ايجاد حق نمي كند و استفاده از اعتبارات بايد با رعايت مقررات مربوط به خود بعمل آيد.

11-اصل تقدم درآمد بر مخارج

منظور آن است كه قبل از هر گونه اقدامي در امر بودجه ريزي، ابتدا بايستي منابع درآمدي و سقف هر يك از آنها به طور دقيق پيش بيني شود و اثرات بر اخص هاي كلان اقتصاد مورد بررسي قرار گيرد و سپس در مرحله بعد، حجم عمليات و مخارج مورد نياز برنامه ها را معين نمود، زيرا اولاً اقتصاد به شدت از قدرت خريدي كه دولت از مردم جدا مي كند اثر مي پذيرد؛ مثلاً افزايش مالياتها قطعاً بر پس انداز و خريد مردم تأثير مي گذارد، لذا بايستي مقدار ماليات طوري معين گردد كه حداقل اثر منفي را بر اقتصاد داشته باشد. ثانياً به لحاظ اينكه در هر بودجه اي مخارج تابعي از درآمدهاست، بررسي درآمدها مقدم بر مخارج است.

12-اصل تفكيك هزينه هاي مستمر از غير مستمر

با بكارگيري اين اصل؛ يعني تفكيك هزينه هاي مستمر از غير مستمر مي توان حجم، سهم و تركيب هر يك از عناصر تشكيل دهنده بودجه را در برنامه هاي دولت معين نمود. هزينه هاي مستمر دولت عمدتاً شامل مخارج مصرفي و هزينه هاي غير مستمر آن شامل سرمايه گذاري هاي مختلف است كه هر كدام از آنها در سطوح كلان اقتصاد (رسيدن به تعادل بين عرضه و تقاضاي كل، اشتغال، سطح عمومي قيمتها، توليد و ...) اثر دارند. با تفكيك هزينه ها از يكديگر، دولت مي تواند از بودجه به عنوان ابزاري براي هدايت اقتصاد جامعه استفاده نمايد

# [نحوه تصويب "لايحه بودجه" چگونه است؟](http://www.yjc.ir/fa/news/4329035/%D9%86%D8%AD%D9%88%D9%87-%D8%AA%D8%B5%D9%88%D9%8A%D8%A8-%D9%84%D8%A7%D9%8A%D8%AD%D9%87-%D8%A8%D9%88%D8%AF%D8%AC%D9%87-%DA%86%DA%AF%D9%88%D9%86%D9%87-%D8%A7%D8%B3%D8%AA)

گفتیم که بودجه کل کشور، از دو بخش بودجه عمومی دولت و بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و موسسه‌های انتفاعی وابسته به دولت تشکیل شده است.بودجه عمومی دولت نیز خود به دو بخش درآمدها (منابع) و هزینه‌ها (مصارف) تقسیم می‌شود.

منابع بودجه عمومی: منابع بودجه عمومی دولت به صور عمده از :

الف) درآمدهای حاصل از نفت و فرآوردهای نفتی

ب) منابع مالیاتی

ج) منابع حاصل از واگذاری شرکت‌های دولتی و سایر منابع به اضافه منابع حاصل از هدفمند کردن یارانه‌ حامل‌های انرژی، منابع حاصل از استفاده از موجودی حساب ذخیره ارزی تشکیل شده است.

درآمدهای مالیاتی:درآمدهای مالیاتی از پنج بخش تشکیل یافته‌اند:

الف) مالیات‌های اشخاص حقیقیب)مالیات درآمدهاج) مالیات بر ثروتد) مالیات بر وارداته) مالیات بر کالاها و خدمات

مصارف بودجه عمومی :مصارف بودجه عمومی نیز از سه بخش1) هزینه‌های جاری2) سرمایه‌گذاری عمرانی و3)تملک دارایی مالی(بازپرداخت اصل و سود اوراق مشارکت و ...) تشکیل یافته است.

هزینه‌ها:بخش زیادی از هزینه شامل حقوق و دستمزد کارکنان و رفاه‌ اجتماعی است، دیگر,بخش مربوط به یارانه‌ها، استفاده از کالا و خدمات، کمک‌های بلاعوض، هزینه‌های اموال دارایی و سایرهزینه‌ها، از جملههزینه‌های مصرفی، هزینه‌های سرمایه‌گذاری و بازپرداخت تعهدات و دیون تشکیل شده است.

اعتبارات عمومی بودجه در چهار بخش متشکل از امور اجتماعی و فرهنگی، امور عمومی، امور دفاعی و امنیتی و امور اقتصادی تقسیم می‌شوند.همچنین در بین وزارتخانه‌ها، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش، دفاع و... بودجه زیادی را به خود اختصاص داده و در واقع تکالیف زیادی را برای دولت ایجاد می‌کنند.

تصويب بودجه سالانه کل کشور

 ماده 186 آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در خصوص تصویب بودجه سالانه کل کشور توسط نمایندگان تصریح می‌کند: "دولت موظف است لایحه بودجه سالانه کل کشور را حداکثر تا 15 آذر ماه هر سال به مجلس تسلیم نماید. نحوه رسیدگی به لایحه بودجه، یک  شور خواهد بود و ترتیب رسیدگی به شرح زیر می‌باشد:

1-نمايندگان مجلس از زمان چاپ و توزيع لايحه بودجه سالانه کل کشور و پيوست‌ها و سوابق آن تا مدت ده روز مي‌توانند پيشنهادهاي خود را به کميسيون‌هاي تخصصي مجلس تقديم نمايند.

2-کميسيون‌هاي تخصصي موظفند حداکثر تا پانزده روز پس از چاپ و توزيع لايحه، گزارش خود را به کميسيون تلفيق تقديم نمايند.
3-کميسيون تلفيق موظف است حداکثر ظرف پانزده روز پس از پايان مهلت گزارش کمسيون تخصصي، ضمن رسيدگي به گزارش کميسيون‌هاي تخصصي گزارش نهايي خود را تنظيم و به مجلس شوراي اسلامي تقديم نمايد. مهلت رسيدگي کميسيون تلفيق حداکثر تا پانزده روز با موافقت هيات رئيسه قابل تمديد مي‌باشد.

4-در جلسه علني،‌پس از رسيدگي به کليات بودجه و تصويب آن،‌ به پيشنهادهاي مربوط به درآمدها و ساير منابع تامين اعتبار بودجه عمومي دولت رسيدگي و سقف آن به تصويب خواهد رسيد. پس از آن پيشنهادهاي مربوط به تبصره‌ها و رديفها رسيدگي مي‌گردد.

تبصره 1- در جلسه علني، تنها پيشنهادهايي که توسط نمايندگان و کميسيون‌ها در زمان مقرر دريافت و به چاپ رسيده، مشروط به عدم مغايرت با قانون برنامه، قابل طرح مي‌‌باشد. پيشنهادهايي که منبع درآمد مشخصي نداشته باشد قابل طرح نخواهد بود و پيشنهادهايي که مازاد بر سرجمع نباشد. زماني قابل طرح است که رديف مشخص جايگزين را معين نمايد. تشخيص موارد مذکور با رئيس جلسه خواهد بود.

تبصره 2- نحوه رسيدگي به متمم، اصلاحيه‌هاي بودجه و ساير مواردي که در اين ماده پيش‌بيني نشده طبق مقررات معمول در اين آيين‌نامه خواهد بود.

تبصره 3- در صورت عدم توصيب کليات لايحه بودجه، فقط براي يک بار موضوع به کميسيون تلفيق ارجاع مي‌شود تا حداکثر ظرف هفتاد و دو ساعت گزارش اصلاحي خود را به مجلس ارائه نمايد.

 همچنين ماده187 تصريح مي‌کند: جلسات مجلس براي رسيدگي به بودجه سالانه بايد بلاانقطاع در کليه ايام هفته غير از جمعه و تعطيلات رسمي، حداقل روزي چهار ساعت منعقد گردد و تا موقعي که شور و مذاکره پايان نيافته و راي مجلس اخذ نشده است از دستور خارج نمي‌شود و هيچ لايحه يا طرح ديگر نمي‌تواند مطرح باشد مگر لايحه يک يا چند دوازدهم بودجه در صورت ضرورت.

تبصره-اگر مطالب فوري و فوتي اعم از طرحها و لوايح دو فوريتي و غيره پيش آيد که به تشخيص مجلس تاخير آن موجب زيان جبران ناپذيري باشد، در اين صورت براي طرح و تصويب آن زمان مشخص معين مي‌شود.

ماده 188 نيز مي‌گويد: چنانچه لايحه بودجه سالانه کشور تا تاريخ تعيين شده در اين آيين به مجلس تسليم نشود دولت موظف است لايحه چند دوازدهم بودجه را نيز به مجلس تسليم نمايد. اين لايحه پس از چاپ و توزيع در دستور کار مجلس قرار مي‌گيرد ابتدا نماينده دولت و سپس دو مخالف و دو موافق به ترتيب هر کدام به مدت پنج دقيقه صحبت مي‌کنند و سپس کليات لايحه‌ در رديف اول دستور جلسه علني بعد قرار مي‌گيرد. در وقت رسيدگي ابتدا پيشنهاد نمايندگان در خصوص ميزان چند دوازدهم مطرح و در صورت عدم تصويب نسبت به عدد چند دوازدهم پيشنهادي دولت راي گيري مي‌شود.

تبصره1- مجلس چند دوازدهم بودجه را بر مبناي آخرين قانون بودجه سالانه مصوب مجلس رسيدگي مي‌نمايد.

تبصره2- حداکثر مدتي که مجلس مي‌تواند براي بودجه چند دوازدهم تصويب نمايد سه دوازدهم است.

ارجاع به شورای نگهبان :لایحه بودجه مصوب مجلس در صورتی قانونی و لازم الاجرا خواهد بود که شورای نگهبان آن را بررسی و تصویب کند.از آنجایی که بررسی کل متن لایحه بودجه تصویبی مجلس زیاد است: بنابراین اعضای شورای نگهبان به صورت روزانه مصوبات مجلس درخصوص بودجه را بررسی و در جریان کار قرار ‌مي‌گیرند و به محض تقدیم لایحه تصویبی بودجه به شواری نگهبان این شورا بلافاصله نظر نهایی خود را اعلام و در صورت تائید نهایی به عنوان قانون لازم الاجرا، توسط رئیس مجلس به رئیس جمهور ابلاغ  مي‌شود.

1- ممکن است مردم درباره ابژه یا فراگرد فرهنگی، آن قدر آگاهی نداشته باشند که بتوانند درباره آن داوری معتبری بر اساس تمایل به پرداخت پول انجام دهند.

2- ممکن است برخی ویژگی های ارزش فرهنگی را نتوان بر اساس رجحان هایی بیان کرد.

3- ممکن است برخی ویژگی های قابل سنجش ارزش فرهنگی فقط بر حسب سنجه ای قابل سنجش باشند که با سنجش متریک پولی غیر قابل مقایسه است و یا  به آن تبدیل پذیر نیست.

4-اینکه برخی مشکلاتِ استفاده از تمایل فرد به پرداخت پول به عنوان نماگر ارزش فرهنگی وقتی به وجود می آیند که پدیده مورد نظر به دلیل عضویت فرد در یک گروه رخ می دهد.